روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۱۲ آبان ۱۳۹۴ • ۲۰ محرم ۱۴۳۷ • ۳ نوامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۸ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۶ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۳ • طلوع آفتاب ۶:۲۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

انار قاچ‌خورده بهتر است یا آبلمو؟

پوریا عالمی

● نمایشگاه مطبوعات امسال کاملا هدفمند و غنی‌سازی‌شده برگزار می‌شود. وزارت ارشاد با رونمایی از سه پوستر نمایشگاه به درون‌نمایی نمایشگاه امسال پرداخت. ما نیز به صورت اجمالی با رونمایی پوسترهای زیر مفهوم مستتر آنان را درون‌نمایی می‌کنیم:

۱ این پوستر نشان می‌دهد وضعیت مطبوعات ما از وسط قاچ خورده و دوقطبی شده است. این قاچ‌خوردگی، مطبوعات را به چپ و راست قسمت کرده. از طرفی وضعیت دانه‌های انار در پوستر نشان از وضعیت خوب روزنامه‌نگاران دارد. چون وضعیت انار قاچ‌خورده بهتر از وضعیت انار آبلمو است.

۲ این پوستر با هدف تقویت نقش بازی در خانواده طراحی شده است. امسال در نمایشگاه در نشست‌های تخصصی با حضور روزنامه‌نگاران برجسته و استادان دانشگاه و صاحب‌نظران مسابقات تخصصی قایم‌باشک با کل اعضای خانواده برگزار خواهد شد. همچنین این پوستر ثابت می‌کند مطبوعات ما می‌تواند از جنین تا کهن‌سالی روی آدم را بپوشاند.

۳ بعد از تفاهم‌نامه‌ای که وزیر ارشاد با رئیس صداوسیما امضا کرد قرار شد عموپورنگ و خاله‌سارا مسئولیت مطبوعات را برعهده بگیرند تا مطبوعات از وضعیت خسته به وضعیت خجسته تغییر کنند. روزنامه‌نگاران در اعتراض به این چیزمیزها اعلام کردند اگر ما یک انجمن صنفی داشتیم خودمان می‌توانستیم مسابقه نقاشی با مدادشمعی برگزار کنیم و نیازی به عموپورنگ نبود.

کارتون خواب

مهدی عزیزی

آن‌سوی تاریخ

بازخوانی خاطرات ۱۳ آبان ۱۳۵۸ از زبان اولین فرمانده کل سپاه پاسداران

حادثه بزرگی که دنیا را تکان داد

عباس دوزدوزانی

امروز بعد از گذشت ۳۶ سال از ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ شاید همه ما، چه من و چه خود کسانی که در تسخیر سفارت آمریکا نقش داشتند، نقدهایی به آن اتفاق داشته باشیم. من هنوز برخی از این افراد را می‌بینم و می‌دانم که بخشی از اقدامات صورت‌گرفته در آن زمان را درست می‌دانند و بخشی دیگر را نه اما معتقدم باید در تحلیل اتفاقات، اقتضائات زمان روی‌دادن آن را در نظر گرفت. اقتضای جامعه انقلابی آن زمان شاید تسخیر سفارت را باوجود مخالفت‌هایی که نسبت به آن وجود داشت، توجیه می‌کند. شرایط آن زمان به‌گونه‌ای بود که وقتی سفارت تسخیر شد، نه‌تنها مردم تهران که مردم از شهرستان‌ها برای اعلام حمایت از این حرکت به تهران آمدند. حتی پس از تسخیر سفارت چندین‌روز مردم در خیابان‌های اطراف سفارت حضور داشتند. در یکی از همین روزها هم من بالای دیوار سفارت رفتم و برای مردم سخنرانی کردم. همه مردمی که در آن زمان بیرون سفارت تجمع کرده بودند، یک نظر داشتند و آن نظر امام بود که سفارت آمریکا را لانه جاسوسی نامیده بودند. من در آن زمان با توجه به شرایط کشور بیشترین تمرکزم روی مسائل مرزی کشور بود و مشغول ساماندهی نیروها برای مقابله با اغتشاشاتی بودم که در شهرهای مختلف ایجاد شده بود. باوجوداین به‌صورت اجمالی در جریان تسخیر سفارت قرار گرفتم. از سوی دیگر یک روحانی وارسته به اسم سیدمحمد موسوی‌خویینی‌ها به‌عنوان نماینده امام در میان تسخیرکنندگان بود و ما از طریق ایشان مطمئن شدیم که نظر امام هم تسخیر سفارت است. به‌هرصورت واقعه اتفاق افتاد و صددرصد مورد استقبال مردم قرار گرفت. با توجه به همه این اتفاقات سخنرانی من هم با جهت‌گیری کلی مردم هماهنگ بود. مردم در آن زمان معتقد بودند آمریکا شیطان بزرگ است که علیه حکومت ملی ایران کودتا کرده و از محمدرضا پهلوی حمایت کرده و می‌کند و...، من هم به‌عنوان فرمانده سپاه براساس همین اقتضائات با مردم صحبت کردم و به آنها دلگرمی دادم. ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ حادثه بزرگی بود که دنیا را تکان داد. این حادثه توسط عده قلیلی انجام شده بود و خیلی زود به تیتر اول جراید دنیا تبدیل شد. خیلی زود پس از این اتفاق هم مهندس بازرگان به این دلیل که روی‌دادن این ماجرا با ضوابط قانونی هماهنگی نداشته است، استعفا داد ولی واقعیت این است که در آن زمان همه سرمایه انقلاب شخص امام‌خمینی(ره) بودند و نظر ایشان برای ما بیشترین اهمیت را داشت.

آینه‌های روبه‌رو

علاج جان‌های خسته، هنر است

گاهی هنرمندان شیوه‌های متفاوتی را برای بیان مخالفت خود با جنگ و دشمنی و سیاست‌های غلط سیاست‌مداران در پیش می‌گیرند. «بهرام دبیری»، نقاش، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید این شکل از هنر به ریشخندگرفتن جنگ‌افروزان است.

بازسازی صحنه‌های تاریخی در نقاشی به‌ویژه در حوزه کودکان می‌تواند التیامی بر این دردهای تاریخی باشد؟

وظیفه هنر به این معنا که شما سؤال می‌کنید، هرگز نبوده و نیست. البته شنیده‌ام که پزشکان، روان‌کاوان و روان‌پزشکانی از ابزارهای هنرهای مختلف در درمان فردی بعضی از ناخوشی‌ها استفاده می‌کنند. در این زمینه من اطلاعات کافی ندارم اما آنچه شما اشاره کردید، درباره عکس کودکان یا حوادث تلخ دیگری از این‌دست و تغییر روایت آن به تصویری خوشایند، بیشتر شبیه یک ریشخند است یا تفی بر صورت جنگ‌افروزان که آدمیزادان، جانوران و گیاهان و آنچه بر این زمین است را جز برای قدرت و سود خود نمی‌بینند و نمی‌خواهند. هنرمند هیچ‌وقت در مرکز حوادث تلخ بزرگ امکان آفرینش هنری ندارد، فقط ممکن است پس از بیرون‌رفتن از این مرکز فاجعه در ارتباط با آن چیزی بگوید یا کاری بیافریند. تصور می‌کنم، این گونه آثار در یک گالری، در یک شهر امن‌وامان و اغلب با حضور از ما بهتران با پذیرایی نسبتا دوست‌داشتنی، نمایش داده خواهد شد. از خودم می‌پرسم این کدام التیام بر آن زخم عمیقی است که امروز در آغاز قرن بیست‌ویکم از طریق دستگاه‌های ارتباط جمعی، شبانه‌روز می‌بینیم و از خودمان می‌پرسیم این آوارگی‌ها، بی‌خانمانی‌ها، آنچه بر مردم افغانستان، عراق، سوریه و یمن می‌گذرد، نوید آینده‌ای بود که قرن بیستم و دنیای مدرن می‌داد؟ خشونت و جنگ همیشه در تاریخ آدمیزاد ثبت شده است، اما بعید می‌دانم در این ابعاد بوده باشد. در این دوران، چگونه باید آن را بپذیرم و توجیه کنم؟

انتقاد شما این است که هنرمندان بعد از وقوع یک رویداد تاریخی سراغ آن می‌روند؟

بله؛ ولی مسئله این است که از جنگ شاعر و نقاش بیرون نمی‌آید. در میان جنگ و خون‌ریزی کسی نمی‌تواند شاعر و نقاش شود. آفرینش هنری به آسایش نیاز دارد.

پس وظیفه هنر در حوادث تاریخی چیست؟

عالی‌ترین وظیفه هنر، شفقت و عشق به جهان و آدمیزاد است. این عالی‌ترین مفهوم وظیفه هنر است اما این عمل در یک گستره تاریخی و در روشی که هنرمند از راه ابزار خود بیان می‌کند، اتفاق می‌افتد. این یک واکنش فوری به یک حادثه نیست. این یک مهر و شفقت تاریخی به معنای عام است. به همین دلیل است که هنر برای تزئین نیست. نقاشی برای تزئین دیوار خانه نیست. هنر به جهان معنا می‌دهد، یعنی بدون هنر، جهان هزار بار از این برهوتی که هست، زشت‌تر و بی‌سامان‌تر بود. درواقع تنها مسئله‌ای که سعی دارم بیان کنم، تفاوت میان یک نگاه انسان‌دوستانه است، هنر جز این عملکردی ندارد اما واکنش فوری یا وارونه بیان‌کردن آن به طنز، آنچنان‌که شما پرسیدید، به یک کنایه و شوخی و سرگرمی می‌ماند. علاجی نیست. علاج جان‌های خسته و سوخته از این نفرت‌ها را در سمفونی شماره ۹ بتهوون یا در تابلو گرنیکای پیکاسو جست‌وجو کنید.